

«ما هیچ اطلاعی نداریم. اگر هم اطلاعاتی وجود داشته باشد محرمانه است. نباید به این موضوع دامن زد. بهتر است اگر چنین مشکلی هم وجود دارد، در خفا حل شود...». اینها پاسخ‌هایی است که برخی مسئولان درباره خرید و فروش کودکان در تهران می‌دهند

این اتفاق در بیمارستان‌های دولتی و بزرگ و بیمارستان‌هایی که زایشگاه دارند، بیشتر رخ می‌دهد



«ما هیچ اطلاعی نداریم. اگر هم اطلاعاتی وجود داشته باشد محرمانه است. نباید به این موضوع دامن زد. بهتر است اگر چنین مشکلی هم وجود دارد، در خفا حل شود...»

اینها پاسخ‌هایی است که برخی مسئولان به سؤال‌های خبرنگار دوهفته‌نامه «روبه‌رو» درباره خرید و فروش کودکان در تهران می‌دهند؛ پاسخ‌هایی ابهام‌آمیز که نه خبرهای خرید صد هزار تومانی کودکان را در تهران تأیید می‌کند و نه تکذیب. ماجرای که از تابستان سال گذشته در یک نشست خبری از سوی فاطمه دانشور، رئیس کمیسیون اجتماعی شورای شهر تهران، بر سر زبان‌ها افتاد.

فاطمه دانشور اعلام کرد که حالا دیگر در مراکز آسیب شهر، کودکان نوزادی که درد خماری را از نطفه حس می‌کنند به قیمت صد هزار تومان به فروش می‌رسند. اما این تمام ماجرا نبود. داستانی که فاطمه دانشور چند ماهی است، راوی آن شده، موضوعی قدیمی در برخی از بیمارستان‌های این شهر است. مرجان، پرستار یکی از بیمارستان‌های تهران، می‌گوید: «دلان و واسطه‌ها پس از شناسایی نوزادانی که ناخواسته یا نامشروع به دنیا می‌آیند، اقدام به خرید و فروش آنان می‌کنند.»

او با بیان این که این اتفاق در بیمارستان‌های دولتی و بزرگ و بیمارستان‌هایی که زایشگاه دارند، بیشتر رخ می‌دهد، می‌گوید: «در این بیمارستان‌ها به دلیل بالاتر بودن تعداد نوزادان متولد شده در مقایسه با بیمارستان‌های خصوصی و کوچک، شناسایی افراد سخت‌تر است که این امر، مهم‌ترین دلیل بالاتر بودن آمار خرید و فروش نوزادان متولد شده در مراکز دولتی است.» مسئله‌ای که بلافاصله از سوی نیروی انتظامی تکذیب شد. در خبرهای تأیید نشده می‌شد این جمله‌ها را شنید که آش به این شوری‌ها هم نیست اما کفش و کلاه کردن خبرنگاران و رفتن به بیمارستان‌هایی مانند مهدیه و اکبرآبادی تهران در همان روزهای پراشتاب نشان می‌داد که از قضا آش بسیار شورتر از آنی است که دانشور خبر داده است.

کودکانی که در توالت پارک حقانی نطفه‌شان بسته می‌شد، در بیشتر مواقع یا معتاد بودند یا خونشان آلوده به ویروس ایدز بود. نوزادان رنگ‌پریده‌ای که در بیمارستان، مجهول‌الهویه بودند و مادر حتی حاضر نبود برای دقایقی آنها را به زیر پستان بگیرد. از آن طرف، جدا از واسطه‌ها و گروه‌هایی که گدایان تهران را ساماندهی می‌کردند، بودند مادران و پدران جوانی که سال‌ها در آتش داشتن فرزند، سوخته و نتوانسته بودند از سد بهزیستی بگذرند. آنها برای آن که بتوانند زخم خود را التیام بخشند، به دروازه غار آمده بودند و کودکان معتاد بخوری این خیابان را با قیمتی از ۱۰۰ هزار تا پنج میلیون تومان خریده بودند.

ناهدی یکی از همین زنان است. ناهید ۳۸ ساله به همراه همسرش بهرام بعد از ۱۵ سال که در راهروهای بهزیستی دویده بودند، کودکان سحرناز را از زنی معتاد در خیابان شوش تهران می‌خرند. سحرنازی که فقط ۱۸ ماه میهمان خانه آنها بود و بعد از آن

به دلیل ابتلا به اچ‌آی‌وی و هیپاتیت سی جان باخته بود. ناهید می‌گوید: «در ابتدای امر اصلا به ماجرای شناسنامه هم فکر نمی‌کردیم. بچه نه کارت بهداشت بیمارستان داشت نه پدرش معلوم بود. دو سه روز مانده به زایمان، واسطه که یکی از رانندگان خطی میدان شوش به خراسان بود، با شوهرم تماس گرفت و از وجود سحرناز مطلع‌مان کرد. بچه در خانه به دنیا آمد. دو میلیون تومان به مادر دادیم و یک میلیون هم راننده گرفت. شوهرم هم گفت بعد از یکی، دو ماه، پیگیری می‌کند تا شناسنامه بگیریم. بچه همیشه بی‌حال و رنگ و رو رفته بود. شناسنامه نداشتیم و واکسن را هم از طریق یکی از اقوام که پزشک بود برایش زدیم. پنج ماهه بود که به دلیل بی‌حالی‌های مداوم تصمیم گرفتیم آزمایش خون بدهیم و دیدیم کودک مبتلا به ایدز است و کمی بعد از یک سالگی هم جان داد و ما ماندیم و داغی که تا آخر عمر روی سینه‌مان می‌ماند ...»

هر چند سال گذشته فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ با تأیید وجود این نوع خرید و فروش اعلام کرد که باید فکری به حال زنان آسیب‌دیده کرد، اما همان روزها گفت ما اطلاعاتی درباره خرید و فروش کودکان در دست نداریم. هنوز که هنوز است، سردار ساجدی‌نیا در مقابل تلاش‌های بی‌وقفه خبرنگار «روبه‌رو» برای گرفتن وقت مصاحبه درباره این معضل پاسخی نمی‌دهد و فقط به این جمله که «در دست اقدام است» بسنده می‌کند.

فاطمه، پرستار یکی از بیمارستان‌های جنوب شهر تهران است. او می‌گوید: «تا اواخر سال گذشته، حتی بعضی از نیروهای بیمارستانی هم به عنوان دلال در این خرید و فروش پولی به جیب می‌زدند اما حالا سخت‌گیری‌ها زیاد شده، بخش نوزادان را جدا کرده‌اند و پرستاران آنها را کمتر می‌بینیم و به طور دائم مددکار در بخش سر می‌زند. الان وقتی کسی بچه‌اش را نمی‌خواهد پیش از زایمان به مددکاری می‌رود و اعلام می‌کند و بچه بعد از وضع حمل به بهزیستی می‌رود اما عده‌ای که می‌خواهند کاسبی کنند، بچه را می‌گیرند و سر خیابان به خانواده‌ها واگذار می‌کنند اما حالا تقریباً گرفتن شناسنامه هم غیر ممکن است. برای گرفتن شناسنامه کودک باید سابقه درمانی مادر و تمامی آزمایشات موجود باشد.» فاطمه می‌گوید سهم دلان در این خرید و فروش از یک میلیون تا سه میلیون تومان متغیر است: «مثلا یکی از همکاران خودمان حداقل ماهی پنج میلیون دلالی داشت اما حالا اخراج شده.»

آمار سازمان بهزیستی

بر اساس آمار عملکرد سازمان بهزیستی تقریباً سالانه بین ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ کودک به فرزندپذیری سپرده می‌شوند. این در حالی است که تعداد متقاضیان فرزندخواندگی چند برابر کودکانی است که به فرزندپذیری سپرده می‌شوند. این امر حاکی از آن است که تقاضا برای دریافت کودک به مراتب بیش از تعداد کودکان قابل واگذاری به خانواده‌هاست. از سوی دیگر فرایند اجرائی فرزندخواندگی مستلزم هماهنگی‌هایی بین سازمان بهزیستی، اداره سرپرستی قوه قضائیه، نیروی انتظامی، مراکز درمان ناباروری و سازمان پزشکی قانونی و ... است که همه اینها به اضافه فهرست طولانی انتظار برای دریافت کودک، فرایند فرزندپذیری را برای متقاضیان فرزندخواندگی، به طور طبیعی، طولانی و زمانبر می‌کند.

انوشیروان محسنی بندپی، رئیس سازمان بهزیستی، در گفت‌وگو با «روبه‌رو» با تأیید وجود تجارت کودکان، از برنامه‌های بهزیستی برای جلوگیری از این تجارت گفت: «ترجیح ما این است که مادران را به گرفتن رحم اجاره‌ای تشویق کنیم. این مسئله هم باعث می‌شود که درآمدی برای زنان بی‌سرپرست ایجاد شود و هم جلوی سوءاستفاده‌های احتمالی گرفته شود. البته این کار باید با ضوابط کاملاً علمی و قانونی انجام پذیرد. ضمن آن که ما نمی‌توانیم به مسئله خرید و فروش کودکان وارد شویم. این مسئله کاملاً در اختیار قوه قضائیه و نیروی انتظامی و دادستانی است. ما صرفاً اطلاعات خود را در این زمینه به ضابطان قضائی منتقل می‌کنیم. ما حتی اگر از چنین مسئله‌ای اطلاع هم پیدا کنیم باید برای ورود از قوه قضائیه مجوز بگیریم. از طرفی واگذاری کودکان به بهزیستی هم فقط با اجازه قوه قضائیه امکان‌پذیر است.»

اما این همه حکایت نیست. علی یکی از پسرانی است که دو سال قبل بعد از رسیدن به ۱۸ سالگی با گرفتن پنج میلیون تومان از بهزیستی ترخیص شده است. او می‌گوید: «بهزیستی قوانین عجیبی دارد. ما را به خانواده‌ها نمی‌دهند، چون اصرار دارند خانواده‌ها ملکی به نام ما بکنند. بعد جالب اینجاست که وقتی خودمان را از بهزیستی بیرون کردند، پنج میلیون تومان کف دستمان گذاشتند و خداحافظی کردند. آنها می‌گویند می‌خواهند آینده ما تأمین باشد و ممکن است اگر وارد خانواده‌ای بشویم به ما چیزی ندهند. خوب مگر بهزیستی وقت ترخیص چیزی در اختیار ما می‌گذارد؟ اما اگر در خانواده بزرگ شویم، در بدترین شرایط ممکن در یک خانواده درس خوانده‌ایم، محبت دیده‌ایم و خانواده داریم. حداقلش این است که کسی در ۱۸ سالگی بیرونمان نمی‌کند. من می‌خواهم بدانم مگر همه فرزندان واقعی خانواده‌ها وقتی به دنیا می‌آیند ملکی به نامشان می‌شود یا وقتی پدرشان می‌میرد یک کارخانه به آنها ارث می‌رسد؟ بچه‌های معمولی بیشتر خودشان روی پایشان می‌ایستند، خودشان خانه و مغازه می‌خرند و فقط تحت سایه حمایتی خانواده هستند.»

تجارت پردرآمد

مسئب راننده تاکسی است و می‌گوید خیلی از همکارانش از طریق دلالی بین خانواده‌ها پول خوبی درمی‌آورند. به گفته مسیب بچه نسبت به جنسیت و تمکن خریدار، قیمتش بالا و پایین می‌رود. او می‌گوید: «حالا خانواده‌ها شاخک‌هایشان تیز شده. می‌دانند بچه باید آزمایش سلامت داشته باشد. بچه سالم هم باز قیمتش متغیر است. اول فروشنده می‌گوید مثلاً ۲۰ میلیون اما خریدارها زرنگ شده‌اند. گاهی این ۲۰ میلیون به دو میلیون هم می‌رسد اما واسطه‌ها کمترین مبلغی که این وسط به جیب می‌زنند یک میلیون تومان است.»

اما تجارت کودکان فقط بین خانواده‌ها صورت نمی‌گیرد. کودکان بسیاری هم هستند که در این میان گرفتار باندهای تبه‌کاری و گدایی می‌شوند. به گفته یکی از ساکنان دروازه غار، بیشتر کودکانی که معتاد و بیمار به دنیا می‌آیند، جذب باندهای گدایی می‌شوند؛ باندهایی که هیچ‌وقت سرخ درستی از آن در دست هیچ‌کس نیست. کودکانی که روزانه ۱۰ هزار تومان اجاره می‌شوند و حداقل ۳۰ هزار تومان فروش روزانه‌شان را به صاحب‌کار تحویل می‌دهند. کمتر از یک ماه پیش، شهیندخت

مولوردی، معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، روایت دیگری از خرید و فروش کودکان را اعلام کرد. مولوردی درباره فروش نوزادان از سوی مادران با بیان این که امروز شاهد فروش نوزادان در شکم مادر و پیش از تولد هستیم، اظهار کرد: «آمار از تعداد این نوزادان نداریم اما آن قدر تعداد آنها زیاد بوده که تبدیل به یک خبر شده است.»

معاونت زنان و امور خانواده با تأکید بر این که پدیده فروش کودکان، تک‌عاملی نبوده و مجموعه‌ای از عوامل، زنجیروار در کنار هم قرار می‌گیرند تا یک زن ناچار به فروش فرزندش شود، خاطرنشان کرد: «فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، اعتیاد، کارتن‌خوابی و ازدواج کودکان از جمله عواملی هستند که می‌تواند باعث سوق دادن زنان به سمت فروش کودکان خود شود.»

او تصریح کرد: «اگر بخواهیم پدیده فروش کودکان ادامه پیدا نکند، باید به مجموع این عوامل توجه کرده و آن را حل کنیم.»

یکی از فعالان اجتماعی در دروازه غار تهران می‌گوید، حالا کودکان را پیش‌فروش می‌کنند. سعید انتظاری به «روبه‌رو» می‌گوید: «حالا زن‌ها هدفدار حامله می‌شوند و در چهار، پنج ماهگی که جنسیت نوزاد مشخص شد، آن را به خانواده‌ها می‌فروشند و کودک زیر نظر خریدار در بیمارستان به دنیا می‌آید. حالا کار راحت‌تر شده. خانواده‌ها با بیمارستان‌های خصوصی زدو بند می‌کنند و بعد از آن که کودک به دنیا آمد، نام مادر جعلی به جای مادر اصلی در اوراق هویتی ثبت می‌شود. به همین راحتی»

گفتنی است در همین رابطه تلاش خبرنگار «روبه‌رو» برای گفت‌وگو با سعید منتظرالمهدی، سخنگوی ناجا و سردار ساجدی‌نیا بی‌نتیجه ماند.